

روش تدریس مبتنی بر بیان فکر

روش تدریس مبتنی بر بیان فکر از دهه ۱۹۷۰ به این سو با آثار مایخنباوم و گودمن اوج گرفته، و ریشه‌های خود را تثبیت کرده است. این روش دو بعد اساسی دارد: شناختی و اجتماعی. بعد شناختی مربوط به عملیات فکری دانش‌آموزان و بیان افکار در ضمن کار است. یعنی، یادگیرنده در جریان کاری که انجام می‌دهند با صدای بلند شرح عملیات نیز می‌دهد. گاه این عملیات مبتنی بر الگو و گاه به صورت مستقل انجام می‌گیرد. بعد اجتماعی روش تدریس بیان فکر مربوط به سهیم‌سازی دیگران در محصول اندیشه فردی یا اجتماعی است.

دانش‌آموزان به صورت انفرادی و گاه به صورت گروهی به بیان فکر می‌پردازند و سعی می‌کنند دیگران را هم از آنچه در ذهنشان می‌گذرد آگاه سازند. دو بعد از این تدریس که در بالا اشاره شد، دانش‌آموزان را هم از نظر فکری و هم از لحاظ اجتماعی می‌پروراند. ونیز، بر دقت نظر و دریافت و ارائه باز خورد ترغیب می‌کند. از اینروست که، روش تدریس را در دسته روش‌های تدریس نوین و فعال قرار می‌دهیم.

در قالب روش تدریس بیان فکر، برنامه درسی به صورتی اجرا می‌شود که بتواند به رشد مهارت‌های شناختی به منظور حل مسئله در دانش‌آموزان دبستانی بیانجامد. این روش برای اولین بار، برای پدیدآوری مهارت حل مسئله در پسران پرخاشگر به کار برده شد. آنان با داشتن هوش کلامی مطلوب، از به کار بردن مهارت‌های کلامی خود برای حل مسائل عاجز بودند. از این رو، در برخورد با مسائل بسیار سرد بوده و بسیار سطحی با آنها درگیر می‌شدند. بررسی‌ها نشان داد که اگر بتوان از بیش‌فعالی آنان کاست، خواهند توانست هوش کلامی خود را به نحو مطلوب‌تری برای حل مسائل به کار گیرند. بنا به باور مایخنباوم و گودمن، کارورزی کلامی می‌تواند دانش‌آموزان را برای حل مسائل شناختی رهنمون گردد. منطق حل مسئله از طریق اندیشیدن دست یافتنی است.

شاگردان برای تکمیل و تمرین روش‌ها و عادات مربوط به تفکر، نیاز به فرصت‌های بی‌شمار دارند. اگر تشویق و ترغیب درست مورد استفاده قرار گیرد، بار عاطفی مثبتی در سوق دادن دانش‌آموزان به بیان فکر خواهد داشت.

شیوه تشویق و تحسین درست عبارتند از:

- ۱- به صورت مشروط ارائه شود.
- ۲- بر مبنای معیاری تعریف شده، ارائه گردد.
- ۳- مبتنی بر پیشرفت یادگیرنده باشد.
- ۴- دانش‌آموزان متوجه اعمال خودشان بکند.
- ۵- دانش‌آموز این حس را بکند که کارهایی ارزش پاداش داشته‌اند.
- ۶- در دانش‌آموز ایجاد حس اعتماد به نفس بکند.
- ۷- به رفتارهایی از دانش‌آموز که شایسته تحسین است، اشاره شود.
- فراوانی ارائه پاداش به نحوی باشد که برای یادگیرنده، برانگیزنده باشد.

راهنمایی برای کمک به پرورش اندیشیدن و بیان فکر

تفکر با استفاده از محرک‌های متفاوتی حاصل می‌شود. مفید است معلمان رویه زیر را در آموزش تفکر و بیان فکر پیش گیرند:

- ۱- معلم باید دانش‌آموزان را به ترتیبی با مسائل روبرو سازد که با تجارب روزانه‌شان سازگار باشد.
- ۲- معلم باید به جای سخنرانی کردن و ارائه یافته‌های علمی به صورت آماده باید تلاش کند سؤال‌هایی بپرسد که دانش‌آموزان از راه اندیشیدن و بیان افکارشان راه‌حل مسائل را نشان دهند.
- ۳- از دانش‌آموزان باید به گونه‌ای سؤال پرسید که به پایان فکر بیانجامد، سؤال‌هایی که پاسخ «بله» و «خیر» داشته باشند به بیان فکر منجر نمی‌شوند.
- ۴- دانش‌آموزان را باید کمک کرد تا آنچه می‌اندیشند و درمی‌یابند به زبان آورند.
- ۵- باید به یادگیرندگان یاری کنیم- در صورت داشتن مشکل بیان فکر- با استفاده از الگویی که ارائه می‌دهیم به بیان فکر بپردازند.
- ۶- به دانش‌آموزان باید کمک کرد تا مسئله یا تکلیف مورد نظر را به خوبی تحلیل و تعریفی بر مبنای آن ارائه دهند.
- ۷- توجه ویژه‌ای برای افکار و کارهای دانش‌آموزان مبذول نیست. چون احتمال دارد یادگیرندگان از محور موضوع مورد مطالعه دور شوند.
- ۸- راهنمایی‌های تفکر و بیان فکر را نباید به طور یکجا عرضه کرد؛ ارائه تدریجی آن‌ها و تمرین به موقع بسیار سودمند و کارساز است.
- ۹- اگر احساس شود که دانش‌آموزان اشتیاق کمی به مسئله دارند، ضروری می‌نماید تمهید و یا چاره‌ای اندیشید که اشتیاق آنان را برانگیخت.
- ۱۰- این احتمال وجود دارد برخی معلمان نتایج حاصل از تفکر دانش‌آموزان را ناچیز بپندارند، ولی هرچه باشد، این نتیجه بسیار ارزنده است.

مراحل اجرای روش تدریس مبتنی بر بیان فکر

* مرحله نخست: تشخیص مسئله

در این مرحله تلاش می‌کنیم به دانش‌آموزان کمک شود تا مسئله ارائه شده را، مشخص کنند. منظور از مشخص کردن مسئله، ایجاد این احساس در یادگیرنده است، «مسئله‌ای که پیش‌رو دارم مربوط به خودم است نه آنکه از بیرون، کسی حل کردن آن را به من تحمیل کرده است». با شخصی شدن مسئله، دانش‌آموز با بیان این جمله سؤالی، «مسئله من چیست؟» شروع به کار می‌کند.

* مرحله دوم: شیوه حل مسئله

در مرحله حاضر، یادگیرنده را تحریک می‌کنیم از خود این سؤال را بپرسد: به چه شکل می‌توانم مسئله حاضر را حل کنم؟ با

پرسیدن این سؤال یادگیرنده به جستجوی راه حل یا ارائه طرح برای حل مسئله می پردازد. هنگامی که دانش آموزان عمل بیان فکر را به طور مستقل انجام می دهند آنان را باید آزاد گذارد تا طرح هایی که به ذهنشان می رسد آزمایش کنند. ولی در جلسه ای که آنان را برای بیان فکر آماده می کنیم می توانیم راه حلی را از جانب خودمان ارائه دهیم.

*** مرحله سوم: استفاده از طرح در عمل**

در مرحله حاضر، سعی می کنیم به این سؤال پاسخ دهیم که «آیا از طرح خود استفاده می کنم؟» به واقع این سؤال، اگر پاسخی داشته باشد، گونه ای باز خورد برای یادگیرنده تدارک می بیند. دریافت چنین بازخوردی، اهمیتی به اندازه ارزشیابی درونی و بیرونی دارد. افزون براین، پرسش و پاسخگویی به این سؤال، گونه ای آگاهی فراشناختی به بار می آورد.

*** مرحله چهارم: ارزشیابی از عملکرد**

برای ارزشیابی عملکرد باید برگشت و نگاهی به عقب انداخت. این همان چیزی است که، جورج پولیا، نگاه به عقب یا پس نگری می نامد. منظور او آن است که فرایند حل مسئله مورد بازنگری قرار گرفته و عملیات از نظر کیفی و کمی مورد ارزشیابی قرار گیرد.